

حقیقت

۱۳۲۹ دی ۲۱

شماره ۱۰۴

به آوارگان جنگی رسیدگی نمیشود

آوارگان جنگی

باید خود شوراها را بوجود آورده
کار توزیع کمک ها را بدست گیرند!

اردوگاه آوارگان در سراب در تاریخ ۱۱ دیماه ۵۹ مطلع
شدیم که اهالی این اردوگاه
نیوفر:
در این اردوگاه وضع حتی ۵ روز بود که بدون نفت
آوارگان حتی یک سیاه خراب است شپای سرد زمستان را
و طبق گفته خودشان هیچ رسید آورده بودند و در اشاره سخت
گی به حال آنها صورت نمیکرد بقیه در صفحه ۴

مروری بر

درگیریهای یکشنبه

رشت

ساعات اول صبح یکشنبه
رشت بطور محسوسی چهره عوض
کرده بود. بساط فالانژها در
زیر شهرداری دایر نبود. نوار
صروشی فالانژها نزدیک سینما
را دیوسیتی از صبح بسته بود.
فالانژهای ولگرد که کارشان
جاسوسی و کشت زنی در خیابانها
ست اصلا دیده نمیشوند. دختران
سیخ و مکتب نرجس پیدایشان
نبود. دفتر حزب جمهوری در

خیابان بیستون کاملاً خلوت
و بی رفت و آمد بود. در پی
کارگران بیکار هم چهره های
ساخته شده جاسوسها و خبرچین
های وابسته به سپاه و فالانژها
دیده نمیشدند. عده ای از فالان
ژها از محل کارشان "انجمن"
بقیه در صفحه ۲

سپرده نشن اعلامیه کدائی دادستانی آبادان

صفحه ۱۲

هواداران

پیگار

بخون

آینده

صفحه ۱۲

خبرهایی از جبهه های جنگ خوزستان

آذرماه
صفحه ۷

خبرهایی از وضع جنگ در غرب کشور

آذرماه
صفحه ۹

زمانی که

عده ای ناوارد

اعلامیه

صادر میکنند

اعلامیه ای کد در زیر
ملاحظه میکنید نمونه ای از "نا-
هکارهای" چپ نمایان جنبش
است. بدسال برادر افتادن
جریان سارزاتی در "مجمع
شریعتی یا حتی آباد" مد نظر
بقیه در صفحه ۱۲

نامه ای از
کرمانشاه

نمونه ای از کارهای

حزب چپ وفادانی

صفحه ۴

نمونه ای از عدالت اسلامی
چرا ایمن شگوری
اعدام شد؟
صفحه ۱۲

اختلاف و باند بازی
در میان

گروه خانی خالی

صفحه ۱۲

در دبیرستان

پروپین امتصامی

دروغ

چه میگردد؟

صفحه ۶

هر روزی در ده

بقیه از صفحه اول -
های اسلامی" حیم شده بودند. فالانژها به مسجد سوخته تکیه میرفتند.

اما مردم عادی و هواداران نیروهای مترقی و انقلابی محله تختی بودند تا در تشییع جنازه شهید بهرام فرحناک شرکت جویند. مدارس تعطیل شده بودند و دانش آموزان به جمعیت می پیوستند تا سهم خود را در این مراسم ایفا کنند. در واقع مردم بدافع آزادی ای که خونهای شهیدان است می رفتند. میرفتند تا جلوسوی استقرار استعدا در پرده دین که سران جمهوری در پی پیاده کردن آنند را بگیرند. مردم سیدانستند که این بار دیکتاتور دفعه قبل نخواهد بود که حزب اللهی ها هر کاری دلشان خواست بکنند و کسی هم "تو" سه آنها ننگوید. چرا که اینان عملاً به همان اعمالی دست میزدند که خواست امپریالیستها بود. این را مردم در جریان دانشگاه و اول مهر... دیده بودند. و حالا با شروع جنگ تحمیلی و لزوم حفظ وحدت مردم، این شیوه های قبل و سرنامداری های مستبدانه تاب تحمل مردم را نطق کرده بود که هیچ مردم تنها این اعمال را در خدمت بدامپریالیستها میدیدند.

صف شاید کنندگان که براد افناد، جمعیت به ۶ هزار نفر میرسید.

در جریان تشییع جنازه شهید بهرام فرحناک، فالانژها

که در پشت صف تظاهرات کنندگان حرکت میکردند، حملاتی رایج، صف آغاز کردند. ولی حمله اصلی را حدود ساعت ۱۲ در سه راهی حاجی آباد ساطع جلال دهقان، خمینی با پرتساب بمب های آتش زابرون صف و تیراندازی هوایی و حمله با کاردوزن تحریک و جماعه و اسلحه گمری آغاز کردند.

از همان آغاز درگیری مردم برخلاف دفعات پیشین با سنگهایی که از طرف فالانژها پرتاب میشد و با دست خالی به مقابله پرداختند که در چندین مورد فالانژها را با ضربات و داشتند. ادامه حمله، فالانژها صف تظاهرات را به سه قسمت تقسیم کرد.

بخشی به قسمت خیابان جلال دهقان و دسته ای دیگر بطرف چله خانه و دسته سوم در ادامه خیابان خمینی تا چهار راه میکائیل متشعب شدند. در چله خانه و سید ابوالقاسم علاوه بر تظاهرات هر کنندگان مردم معمولی محله نیز به کمک آمدند. ندوباسنگ و مشت و لگد کشتند خانه های نشا رفالانژها کردند روحیه همکاری مردم محل بسیار تظاهرات کنندگان را میشد از پناه دادن آنان به خانه هایشان و کشاندن زخمی و تیرخورده به داخل منزل و یا نشان دادن راه فرار به آنان بوضوح مشاهده کرد. این نور انقلابی کدحاکمی از نارضای عمومی از اعمال مستبدانه، برکسی قسمت خزیدگان است را باید دست و سویی صحیح داد و در جهت پیشرفت اهداف انقلاب بکار گرفتند. در چهار راه میکائیل تظاهرات کننده ها و فالانژها در دو صف روبروی هم با سنگ و جوب بمقا بله پرداختند. استکار عمل در دست مردم و محاهدین بود بطوری که چندین بار فالانژهای مسلح را مجبور به فرار کردند.

بهترین مقاومت در خیابان جلال دهقان صورت گرفت که بیشترین دستگیری ها را هم داد

(حدود ۲۵ نفر) دستگیر شد. کان را با موتور، یک ناکسی و یک بنز سفید رنگ از محل دوری کردند. طبق آمار محاهدین تا روز یکشنبه ۵۹/۱۰/۱۶ تعداد دستگیری و زخمی ها ۳۵ نفر است. دو نفر نیز تیر خورده اند که حالشان رضایت بخش نیست. در جریان درگیری روز یکشنبه عده زیادی از شهرهای فومن، صومعه سرا و... که برای کارزار دعوت شده بودند دیده میشوند عده ای از این افراد حتی از شب قبل در بعضی از مساجد تحت نفوذ فالانژها " پذیرائی " شدند. در این درگیری خیلی از فالانژهای سرشناس مثل " احمد خشن " شرکت نداشتند، هنوز معلوم نیست چرا ولی شایع است که اینها بین خودشان دعواست. سیاه در این درگیری علنا شرکت نداشت. اما خود یکی از افراد سیاه معروف به " دکتر " در بین مهاجمین نشان میدهد که سیاه برخلاف ادعای خویش در این درگیری شرکت داشته است. ظاهراً در دست کسی ژ-۳ دیده نشده است. اما صدای رگسار ژ-۳ در تیراندازی ها مشخص بود. فالانژها یک نفر را خیال این که از تظاهرات کنندگان است بشدت کتک میزدند. وی مرشد فریاد میرد کمی سرکنید، کمی سرکنید، و وقتی که میخواهند او را سوار ماشین کنند وی یکی از افراد سیاه را کوشه ای برده و کازت سفید رنگی را بوی نشان میدهد با سادار هم فوراً به بقیه میگوید " ولش کنید از خودمان است " گویا این کارت نوعی مدرک شناسایی رسمی بیسی حزبیه ها و سیاه و کمیته چی ها است.

عصر روز یکشنبه در بخش خبری تلویزیون از طرف سیاه اعلامیه ای منتشر میشود که ضمن محکوم کردن درگیری، اظهار میگرد که محرکین اصلی این درگیری را شناسایی و مجازات خواهند نمود. " حامد روحانیت "

کیلان نیز تظاهرات را محکوم نمود. این ها چون اعتراضی مردم را در حمایت چند عزارتغری شاه بودند، چاره ای نداشتند اعلام این موضع نداشتند و سعی و سعی عکس این مطلب را نشان میدهند. علت عدم درگیری علمی سیاه را نیز در رابطه با ورود " هیئت بررسی شکنجه " باید بررسی نمود. اینکه زندانیان درگیری را بزندان سپاس " انتقال " نداده اند و در مسجد " حاج صدخان " با تیراندازی آزار زدن می کرده اند حدود در ضمن امینیان امام جمعه رب ساعت ۷ عصر یکشنبه در مسجد " حاج صدخان " سخنرانی می کرده و در همان حال عده ای حدود ۱۸ - ۱۷ نفر در همانجا زندان بوده اند که تا ساعتی بعد تصمیمی جهت آزادی اینها گرفته نمیشود.

شرکت و ذینفع بودن سیاه را در این درگیری میتوان در پیگردی شان در محله های جنب خانه، بیسی و تختی و حمله به محله تختی (در شب دوشنبه) و سکوت اینان در هنگام زندان شدن در مسجد عدم انتقال و ناکهان تصمیم گیری در باره آنان مشاهده نمود.

پروپژ اکبری

کیست که مقامات

استان برای

انتقالش به زندان

سیاه تظاهرا میکنند؟

بازندانی شدن پروپژ اکبری که از فالانژهای معروف با قرآبا دست درگسترتری مرتز رشت، " مقامات استان " برای آزادی و احتمالاً انتقالش به بقیه در صفحه ۳

هروری پر...

بفیه از صفحه ۲
زندان سیاه به تلاش افتاده اند. یکسبب در جلسه مشاوره یکبار برای حمله به مت راهبما بیان رورسندبریا مدریزی میشود و آخوندی هم حضور داشت. حمله به زندان جهت ربودن پرویز اگری نیز طرح ریزی شده بود که تا موفق از آب درآمد. خود وی مدعی است که در این فصل مقصودت و مسابطلی ایسی قتل سه چهار نفر دیگر میباشد. انصاری استنادار کیلان. امینیان امام جمعه رشکست. ربیعی فرمانده سیاه و حجاج احساسش روحانی در سیساری از حمله گسای بود که سرای آزادی پرویز اگری و انتقالش به سیاه سعی بسیار کردند. کوشی بسیاری شده است که سبب "سیاسی" جلوه دادن ایسن حمایت رسیدگی به پرونده مسیم را به "دادگاه انقلاب" رشکست بسیارند. پرویز اگری شخصی معناد است که سوابق زیادی در رابطه با فروش مواد مخدر و دلالی برای قاچاقچیان دارد. در رابطه با سرقتی که اوایل انقلاب از سویرما رکت کلسا صورت گرفته وی با اتفاق دو صد ریکس در آن ترکب داشته است. وی موفق به فرار میشود ولی دو فردیگر که توسط جوانان محله، تخریبی دستگیر شده بودند به شرکت وی در این سرقت اعتراف میکنند. یکسال قبل از انقلاب وی سه اتفاق یکی از همدستانش جوان سراسرا خا طربول بعدی که

همراه داشته است دریل یوسار خند کرده و بداری آویز دولتی چون مدرکی از این دو دست نمی آورند آزا دستگیرند. وی در اکثر حملات و سرکوبهای خیابانی نقش رهبری را بعهده داشته است. در ایحاد انفجار و سوراخ کردن دکه ها همراه با سایر فالانژهای با ترآباد ویل یوسار شرکت داشته است. وی شکنجه گری بسیار با سداران رشت و مسجد "حاج صمدخان" با قرآبا د بوده است. (مدتی است که فالانژها، هواداران نیروهای مترقی را در ایسن مسجد با منت ولکد" بازجویی میکنند). مدتی قبل در جریان حمله به فالانژها به مطبسه تخریبی یکی از هواداران مجاهدین را در سیاه رشت، پس از اینکه کتک زیا دوشکنده در کونی گذارده و تحویل اگری میدهند. چون وی مقاومت می کرده و جوابشان را نمی میدهد است. اگری جوان مذکور را در همان محل پس از ضربات مشت ولکد با جوالد و زخمی کرده که تا نیمه های شب خونریزی داشته و از انتقالش به بیمارستان هم جلوگیری میکنند. شهید شهرا م فرحاک نیز که چند هفته قبل در درگیری خیابان تخریبی دستگیر شده بود وسیله "با میرده و فالانژ دیگری معروف به "حسین جان" در مسجد "حاج صمدخان" با قرآبا دستگیر شدند می شود. این مشت که نمونه خرواژی است، علت علاقه "مقامات" را بخوبی نشان میدهد. پرویز اگری مرد دور و فرادی نظیر وی که سرانجام آتش انتقام خلق دامن تک، تک آنان و سرگردان نشان را خواهد گرفت همان افراد "مکتبی" مورد علاقه آقای استاندار، هیئت "با کساز" و... میباشند. همین کوبه افراد هستند که در "انجمن های اسلامی" کارخانه های چون بارش نیست و کانا داد رای لانه کرده اند و

آقای ربیعی در دفاع از ایسن "احسن ها" سیند حاکمی دهد. اینگونه افرادند که سره و ارسخا طرا اعتیادشان، بخاطر هرزگی شان چون موم در دست "مقامات استان" بدجاسوسی و خرسجینی و جفا قدری کمزرد میشوند. قطعا در شهرهای کیلان افراد مادی و انقلابی سدامی شوند که با افتخار مدارک جاسبات اگری و رهبران فالانژها که دو ماهه "انقلابی" شده اند جیره گیری این باندهای سیاه و رابطدها را با "مقامات" به مردم فرمان و مبارزایسن خطه نشان دهند. اگر سوابق این جنایت گاران را بدانند خود مضاموت درست را خواهند کرد. * * * مقاومت جانانه، سردم رشت در مقابل تجاوز و زباندسیاه و سرگوسر در درگیری یکشنبه یکبار دیگر تنفر مردم را نسبت به جفا قدران وابسته به حزب جمهوری نشان داد. قسبول دعوت مجاهدین توسط سردم بدرستی ثابت میکند که هر روزی که از مبارزه، طبیعتی در جامعه ما میگذرد علاقه و تمایل مردم به نیروهای انقلابی و مترقی بیشتر میگردد. با مقوفه متشکل و یکبارجه، خود این شور مردمی را به نیرویی در مقابل دیاتجاء جمات آینده مندل بازیم. این مقاومت دلیرانه همداری است به آنان که بخاطر رسیدن به جادومقام اقیبات چون روز روشن خشم می پوشند و به مدج و شای قدر تمدان حزبیی مشغولند. مردم ما همانگونه که ما هیت حزبیی ها را دریافته اند با فرصت طلبان از ایسن نوع که مدافع از انحصار طلبان میردازند تیر مزیسندی میکنند. فرصت طلبانی که انقلاب را فروخته اند، مردم ما را متهم میکنند که بدشمال آزادیهای نوع "لیبرالی" هستند غافل از آنکه مردم ما هیچگاه جشن و

سرور لیسرا الهار ایس از کشتار دانشگاه از یاد نمی برند. میان ما رزه مردم ما سر علیه حفقان و استناد و وظهور در برده، دین با "آزادیخواهی" لیسرا الهار فاصله ای با ندارد، بردگی و رهایی است. آنان اگر امروزه از سرتراری ع نوع زندان و شکنجه دم میزنند، برای کسار زدن رقیب است نه رهایی از هر نوع استبداد، لیسرا الهار و جفا قدران حزبی در کشتار دانشگاه با هم "وحدت کلمه" داشته و هرگاه خطری از جانب مردم و یا از جانب نیروهای انقلابی حس کنند با زهمان خواهند کرد. مردم آزادی میخواهند تا با امیرالیسرا الهار مبارزه کنند، تا انقلاب را به پیش ببرند. آزادی خواهی لیسرا الهار برای بردن سخی بیشتر از جباول زحمتگاران است. ایس را مردم ما تجربه آموخته اند. در این مبارزات مردم ما قطعی را طلب میکنند که بازش بسا دشمن خلق نشینند، قطعی را میطلبند که مبارزات آنان را، خونپای شهیدان نشان را وسیله کسب مقام و ارتقاء خود قرار ندهد، قطعی را میطلبند که آنان را در مقابل با خطراتی که انقلاب و میهن شان را تهدید میکنند متحد و متشکل و مسلح سازد. قطعی را میطلبند که نه تنها رهایی از یوغ امیرالیسرا الهار را برای آنان با رمان بیاورد بلکه راهکنای جاسوسهای کورد که در آن از سم طبعات میروانند و استعمار فردا ز فردنشان... شد. قطعی را میطلبند که برینت را روی همین زمین و سرای نسلهای آینده توپد دهد و ایس سر طبقه، کارگر فرمان ایران است که سبب راهی متحدان اصلی اشان دهقانان ستم دیده ایران و دیگر زحمتگاران این مرز و بود در ایحا د این قطب قدم پیشگذارد و وظیفه هدایت انقلاب ایران را بر عهده گیرد. اتحادیه کمیونتهای ایران - کیلان سه هفته ۱۶ دیماه ۵۹

نامه ای از کرمانشاه :

نمونه های از کارهای حزب

جهل و نادانی

براستی که دیگر تحسین
 لوی ایسان، آزادی و
 آزادی مضمونی ندارد.
 ایسان، این بیگانه پرستان
 که از راه سزگی در انضلاب
 عزیزمان بوجود آورده و آن را
 به سوی جهل و نادانی سوق
 میدهند، اکنون دیگری شرمی
 رابه خدا علا رسانده و با کتک
 زدن در انظار عمومی اجماع
 فاشستی خود را به نمایش می
 گذارند

امروزیعی ۱۳۵۹/۱۰/۱۱
 در حدود ساعت سیزده یکی از گروه
 های کوچک حزب جمهوری اسلامی
 (معروف به گروه شین) سه
 کتا بفروشی کوچک سه راه سهر
 سعتی حمله کرده و فقط بخاطر
 داشتن روزنامه هائی از قبیل
 " امت " نه آنان به شدیدترین
 شکل ممکن که فقط از عهده نازی
 ایسان میخاکه شوند.

بیروشن است که آن
 دولتی که سردمداران ما سید
 بسیاری از رهبران حزب جمهوری
 اسلامی خود در خانه های مجلل
 معادله نده شین گرفتن درسد
 راحت طلبی خود هستند، هر کس
 نمیتواند بفکر آواره، حنکی
 زنده بوشی باشند که در سرمای
 زمستان معلوم نیست چگونه
 شب را به صبح میرساند. جا
 نگه در اردوگاه آوارگان دولت
 آباد بتاریخ ۱۰ دیماه ۱۳۵۹،
 یک پیر مرد آواره، که تمام خا
 نواده خود را نیز از دست داده
 بود، بر اثر سرما یخ بست و
 مرده.

ای کارگر ایرانی فقط
 تو میتوانی درد آوارگان
 حنکی ما را درک کنی، فکسری
 در این باره کن! با یک اعتراض
 خود را به این آدم نماهای
 برمدعائی که در خانه های
 مجلل معادله نده نشسته اند
 و حتی با کمک های بسیاری
 که مردم برای آوارگان جمع
 کرده اند معلوم نیست چینی
 کند، بلندکن!

آوارگی

بقیه از صفحه اول
 اعتراض داشتند. به هر خانوار
 یک اتاق کوچک تعلق داشت که
 نه در داشت و نه پنجره، و تنه
 کلیم داغان زمین آنرا میسوز
 شاند. اهالی آنجا ژنده بسوس
 و از نا چیزترین وسایل رفاهی
 در مفیقه بودند. آنها را کار
 " جهاد " و " سیاه " و " سلال احمر "
 و همه سخت نازا می بودند و می
 گفتند تا ایسان نمانند و در
 این زمستان منفره نیست باسی
 لباسی چند کنیم! در حالیکه در
 انبار هلال احمر لباس و سا
 هست، ولی بی نظمی و احساس
 بی مسئولیتی شرا آری. میان
 ارگانها وجود دارد. مثلا غذا
 به موقع نمیرسد و تقسیم غذا
 ترتیب و نظمی ندارد. مسئول
 و پشت میز نشین های هلال احمر
 آنجا سر خوردن بسیار ناخوانسرد
 نه ای با اهالی اردوگاه دارند
 و حتی یکی از ایشان آنها را
 " وحشی " میخوانند که نشان
 وحشی بودن خودش است. یکی
 از پاداران نیز کل نامسا
 های آنجا را به کردن استناد آری
 میانداخت. و در ساره، نرسیدن
 به موقع غذای خود را پاداران
 هم میتالید. بهر حال این
 نشان میدهد که آوارگان حنکی
 ما نباید خود دست نگا رنده منت
 شوند و شور با وجود آوردن و همه
 امور را خود بدست گیرند. شورا
 باید کمک های وارده را جمع
 آوری کرده و خود به توزیع
 متعاف نه آنها اقدام کنند و در
 میان اهالی اردوگاه هیاهو
 وسیعی پیدا آورد.

شهادت آوارگان

بقیه از صفحه آخر
 بلکه حتی مردم شهر را هم تشویق
 به فرار کرده و نقشه فرار را بر سر
 و دیوار جسا نندید و آیا ایسی
 حرکات با خراست را دیو عراق
 در مورد نخله شهر هاضرتی دارد
 باز هم سکوت کرده اند

بالاخر، وقتی از این زمین
 فرار کردیم " بیکار " نظرا
 به بدش در بروردنک حجت؟ تو
 ایسی که باری از دستش برده
 نتوانی، گفت فرار است که
 در " بیکار " شوریگ " بحث کا
 بل در مورد حجت را بکنند که البته
 این اثر " شوریگ " هم در آسرد
 جزغان " استدلال " ولی بی
 باید تر جیزی در آن نیست.
 براستی که اعضا و هوا
 داران ماده " بیکار " حفا
 تا رسی آسروبی ها را از دست سا

نکته شوریگ

بقیه از صفحه آخر
 از ادمان میکنم که عده ای راه
 همیر شکل آزاد کرده اند
 رسی هزار اسمها معلوم نیست که
 جدگسانی هستند ولی این هست
 که یک تعداد را که اعضاء کرده اند
 را آزاد کرده اند. و این تعداد
 عمدتا از عوامل سابق رژیم
 بوده اند. ولی شکوری قبول
 نمیکند که اعضاء بدهد و چندین
 آید قرآن در نامه ای که بیرون
 از زندان داده نوشته که اینطور
 ثابت کرده که این افرادی که
 شکنجه داده اند باید طبق اصول
 شکوری را شخصیت نام سبوی
 اعدام کرده است و گفته میشود
 آیت الله کیلانی نیز در این کار
 دست داشته است. در جمعه
 شکوری جای سرخ رنگی در پشت
 کسرا و میاشد که از شکنجه شدن
 این شخص حکایت میکند. علت
 محکومیت به اعدام او قبول
 نداشتن ولایت فقیه است. و ولایت
 بت اما مان را قبول نداشتند
 و از آنجا که او سنی است میتوان
 نسته طبق آئین اسلامی خودشان
 قبول نداشته باشد. بهر حال این
 حنایت تحت این عنوان صورت
 گرفته است که شکوری به اعدام
 اطهار فحش داده و... این نوع
 عدالت را چه میتوان نام
 گذارد؟

رهبران خود باید تحمل کنند!!

شکوری را شخصیت نام سبوی
 اعدام کرده است و گفته میشود
 آیت الله کیلانی نیز در این کار
 دست داشته است. در جمعه
 شکوری جای سرخ رنگی در پشت
 کسرا و میاشد که از شکنجه شدن
 این شخص حکایت میکند. علت
 محکومیت به اعدام او قبول
 نداشتن ولایت فقیه است. و ولایت
 بت اما مان را قبول نداشتند
 و از آنجا که او سنی است میتوان
 نسته طبق آئین اسلامی خودشان
 قبول نداشته باشد. بهر حال این
 حنایت تحت این عنوان صورت
 گرفته است که شکوری به اعدام
 اطهار فحش داده و... این نوع
 عدالت را چه میتوان نام
 گذارد؟



چرا فتنه گران حزب جمهوری مدار پس را به آشوب میکشاند

و مهمتر از همه مسلح شدن مردم و شرکت گسترده در جنگ مسلحی میگیرند. آری پیروزی واقعی در این جنگ بریان این دارو - دسته، مکاران و انحراف طلب است.

دانش آموزان انقلابی

مبارزه ای که از طرف دانش آموزان سراسر ایران و از جنبه شما محصلین کومانشان جریان دارد حزبی از مبارزه عمومی مردم ایران بر علیه انحراف طلبیها و استبداد حزب جمهوری و سه خاطره کسب آزادی، بخاطر حفظ وحدت مردم در جنگ مقاومت و بر علیه توطئه های اسر قدرتهاست. بضمن خاطر این مبارزه باید سراسر مبارزه دیگر اقشار مردم برای آزادی و دمکراسی، برای حفظ وحدت ملی، برای تشدید جنگ مقاومت و پیروزی کامل بر مستعاز و این یعنی پیوند باید. بنا بر این:

۱- در عین طرح خواسته های صنفی و سیاسی در مدارس (شوری واقعی، آزادی فعالیت های سیاسی...) مبارزه خود را از محدود، مدارس خارج کنید و به میان مردم زحمتکش بگردید و آنها را نیز بخاطر مبارزه برای حقوق و آزادیهای دمکراتیک و شرکت فعالتر در جنگ بسیج کنید.

۲- نقش تفرقه افکنانه و اخلال گرانه حزب جمهوری را در جنگ مقاومت برای مردم توضیح دهید.

۳- خط غافل روشنی بین خود و عوامل ضد انقلاب و هواداران بخشیا و سلطنت و... بکشید و مکان سو، استغاده به آنها ندهید. با طرح شعارهای صحیح آنها را منفرود از صفوف خود طرد کنید.

۴- از طرح شعارهای انحرافی و جنب روانه و نیز توهین به شما بیرو اعتقادات مذهبی مردم خودداری کنید تا بتوانید آنها را بدسوی خود جلب کنید. نگذارید تبلیغات حزب جمهوری منسی برای اینکه "مخالفت با حزب یعنی مخالفت با امام و روحانیت در مجموع" بیاگیرد.

۵- از هرگونه درگیری شدت و آگاهانه جلوگیری نمائید. درگیری تنها بسود ارتجاع و ضد انقلاب است.

- مرگ بر آمریکا، مرگ سردام، مرگ بر ارتجاع!
- آمریکا نقشه میریزد، مردم تا وز میکند، حزب جمهوری تفرقه می اندازد!
- اتحاد، اتحاد، لازمه جنگ ما است
- آزادی آزادی، لازمه اتحاد!
- تعطیلی مدارس توطئه ارتجاع، توطئه حزبیه!
- آزادی سیاسی برای مدارس، برای خلق ما!
- آزادی میخواستیم تا با آمریکا بجنگیم!
- تا عراق بجنگیم!
- " رهروان حقیقت " - کومانشان
- (هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران)

در هفته گذشته موج حملات مرتجعانه و سازمان یافته، عوامل دستجات مسلح و جما قدر و وابسته به حزب جمهوری اسلامی بیشتر مدارس کومانشان را فرا گرفت. این حملات بدستال و قابع چند هفته، اخیر در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، همدان، لامیجان آمل، گرم آباد، و دهها شهر دیگر دور از انتظار نبود. و فایده ای که منجر به قتل چندین نفر، و ضرب و جرح و دستگیری و "تصدیه" صدها و صدها نفر از مردم و بخصوص دانش آموزان مبارز گردید. توطئه به آشوب کشاندن مدارس کومانشان نیز از هفته های پیش توسط مقامات وابسته به حزب جمهوری در شهر و در آموزش و پرورش در حال پیاپی شدن بود و در هفته اخیر به اوج خود رسید.

از چند هفته پیش مخالفت های گسترده ای در بین دانش آموزان (و نیز مغلان مشرقی) بر علیه خوفاقانی و استبدادی داکتر مدارس، تفتیش عقاید و سزای دیدنی و وسائل دانش آموزان، و دستگیریها و اخراجهای بی حساب و آزادی کنی های مسئولین مدارس و انجمن های اسلامی وابسته به حزب، شکل می گرفت. در آغاز هفته گذشته بدستال اعتراض دانش آموزان دختر به سخنان مدیره، مدرسه، پروین اعتمادی (خانم شعبانسی همسر زارع استاد، رویار نزدیک سیدزاده مدیر کل آموزش و پرورش هرسه از عوامل حزب جمهوری) این دبیرستان منحل اعلام میگردید! که با مخالفت متحدانه دانش آموزان آن مدرسه و پشتیبانی دانش آموزان مدارس دیگر و سرو میگردید. و کار به اعتراض و تحمیل و راهپیمایی هزاران دانش آموز (سویسترد دختران) در سطح شهر میگردید. عوامل جما قدر و مسلح حزب جمهوری یعنی "گروه شیت" و بخشی از یاسداران طرفدار این گروه، با انواع ملاحضاتی سرد و گرم به دانش آموزان معترض حمله میکنند، از دیوار مدارس دخترانه بالا میروند، دانش آموزان دختر را در خیابانها بدستال میکنند و صدها نفر را به ضرب قلمه و چاقو بنحیه بکس و... مدموم و دهها نفر را روانه بیمارستان مینمایند. اینست عملکرد عوامل حزب جمهوری در شهر ما.

مردم قهرمان کومانشان

هم اکنون ما در کیری یک جنگ خونین با عراق این عامل اسر قدرتها و بخصوص آمریکا هستیم. حزب جمهوری بخصوصی در دوران این جنگ، در این میدان محک حق از باطل، بکلی بایکده خود را در میان مردم از دست داده و به همین دلیل به هیچ رو خواهان ادامه و حتی پیروزی واقعی در این جنگ نیست. حزب جمهوری ترجیح میدهد که این جنگ هر چه زودتر از طریق سازش و بندوبست با محرکین آن آمریکا و شوروی، خاتمه یابد. بیدلیل نیست که در همان آغاز جنگ این مدعیان دروغین ضد امریالیست، سرعت شرایط تحویل خاموشان گروگان را به آمریکا فراهم کردند. سیجهت نیست که در این تحولات حساس انقلاب که ملت ما بویژه به وحدت و از این روه آزادی و دموکراسی نیاز دارد، عوام مل حزب بستندانه به هرگونه آزادی و فعالیت گروههای مخالف خود میتازند، به تمامی مردم و آزادیهای آنها و حتی روحانیون مخالف خودیه و شر میگردند، هرگونه آزادی را در مدارس کشوری - ...

در حاشیه اعلامیه رفقای کومانشاه
 (کومانشان)

در دبیرستان پروین اعتصامی درود چه میگذرد؟

اواخر شهریور ماه سال جاری آموزش و پرورش لریستان اعلام کرد که مدارس درود تعطیل انجام پاره ای تعمیرات تعطیل است. البته همه میدانستند که "انجام پاره ای تعمیرات" بهانه ای بود برای تعطیل مدارس و با اصلاح پاکسازی معلمان مدارس و انتظامی و چنین بگردند. آقای مشکینی مدیرکل مرتجع و وابسته بدریج ساسانی آموزش و پرورش استان صحبت لوای "سال ماری دست به" اخراج معلمان مدارس و انتظامی زد. تنها در منطقه ما ناکسون حدود ۱۵ نفر از معلمان و دبیران شامل این باصلاح سا لم ماری شدند.

بعدا ز گذشت حدود دو ماه ، یعنی از اول آذر ماه ، مدارس باز شد. رئیس آموزش و پرورش و رؤسای حزبی مدارس و علی الخصوص خا شمرستمی و مدیسیر مدرسه ما از هر جهت "آسوده" بودند. معلمان مدارس را "اخراج" کرده بودند و هیچ گونه های نگرانی نبود. اکنون آنها در فکر ضرر زدن به دانش آموزان بودند و میخواستند سپر تریب گذشته "سال ماری" ارتجاعی و حزبی شان، شامل حال بچه ها نرسود. و در همین رابطه یکروزه بچه ها که طبق معمول هر روز و در تریه مدرسه می آمدند و ورزش میکردند اخلال شد تا رایس بی نباید در مدرسه ورزش کنند و دستور داد در مدرسه را بعد از ساعت ۱۲ بدوی داس آموغان بار کنند. اما بچه ها به کار خودشان کافی الساسی ادا میدادند با این تفاوت که هر صبح ورزش را در صحن خیابان و خارج از مدرسه انجام میدادند. مدرسه که همگی ما هستیم صد انقلابی اش را خوبی می -

شنا شدند و با از جده را اغلب "سربچی از قوانین" از مدرسه اخراج کرد. این عمل ضد انقلابی سربچه ها را لریسز کرده و مبارزه، خود را علیدا این خودکامی ما و استاد حزبی ما تدم حضور سر کلاسها دنبال کردند. محصلین چند روز متوا لی در حیا ط مدرسه بودند و بدون وقفه و مدام تکرار میکردند: " معلم اخراجی اعزام بایند کرده". " امروز غیر از دیروز است ، محفل بیروز است " ، " تعطیلی مدارس توطئه آمریکاست " ، " تاحق خود نکیریم از یانمی نشنیم " و ...

هنه محملین داستنای عده ای انگشت شمار را جالب اینجاست که برای ایجاد تفرقه عده ای محفل وابسته به حزب را - حدود ۱۵ نفر از اعضای نمایان مدرسه آورده اند. در سایر مدارس نیز همین کار را کرده اند) یک صدا خواستار برکت محصلین و معلمان انقلابی اخراجی شدند. مسئولین مدرسه که از لانه های ما دره از قم میباشند برای درهم شکستن این مبارزه با ارتجاع و تهدید در مدد تشکیل کلاسها بر آمدند. اما در هر کلاسی بیش از ۲ الی ۳ نفر از دانش آموزان وابسته خودشان حضور نیافتند. از آنجا که توطئه تهدید و ارتاع مسئولین نکست خورد ، آنها با ر دست به حمایت دیگری ر دند و عده ای حاق قدر را وارد کار کردند. عده ای از خواهان ستل ، را مورد حزب و تشکیک قرار دادند. تعداد زیادی را با جاقوم محروح کرده و روزانه بیما رستان کرده و مدرسه را تعطیل اعلام کردند. بعد از یک هفته اعلام شد نام محفل شد. بچه ها را آنجا نشانی که خواهان

تعلیمی مدارس نبودند و بسند و از آنجا شکستوانند. در ارتعاط با بختیده مبارزاتشان ادا مدد همدست نام محفل را بفرستند. اما مسئولین ضد انقلابی و مرتجع مدرسه ۲۴ نفر از مبارزترین و سیر و تریسین محصلین دبیرستان را "اخراج" کردند.

اگر چه مسئولین مدرسه دستنانه و با حیات حزب گدا بی و حقا قدرانش توانستند. خواهان مبارز و محاهد ما را

" اخراج " ، زخمی و روانه سارستان کنند. اما محفل ما سوا همدست اراده، حنسل تا پذیر ما را در راه ادا مده انقلاب دمکراتیک و صدا میرا لیستی مان خورد کند. ما صد همراهی خلقمان با سربکونی ارتعاع و وزیر کشیدن سازتکا ران و بریا نمودن حمپسوری زحمتکشان بد مبارزه می اما صدان ادا مد خواهیم حرا که تا ظلم حمت مبارزه هم هست .

در حاشیه

حزب مستبدانه حزب خلق سلاح نماید. روس است که دانش آموزان انقلابی و مترقی خود نیاید شروع کننده دعوا باشند (که هب تکا ن سو ده اند) ولی حتی در اندو با بد در مقابل تحرر بیگات مستبدانه حزب حمپسوری ایستادگی کنند.

۲- رفقای عزیز در انتهای اعلامیه شان شعار " آمریکا نقشه میریزد ، صدام تحا وز می کند ... " را مطرح ساختند. بیتر آنست که شعارهای تبلیغی سرگزی سازمان در کلیت خود منعکس کردد. شعار کامل چنین است : " آمریکا نقشه میریزد ، شوروی مسلح میکند ، حیس تا ئید میکند ، صدام تحا وز می کند " . اشکالی در اضافه کردن " حزب جمپوری تفرقه می اندازد " نیست . اشکال در حذف بخشی از یک شعار تبلیغی مرکزی سازمان است.



خوشهر

خبرهائی از جبهه های جنگ
خوزستان (آذرماه)

۱۷ آذر ۵۹

* یک جایگاه تیمی سپاه پاسداران در بخش شرقی خونین شهر، که حدود ۶ پاسدار در آن ساکن بوده اند و روزها آموزش و استراحت و شبها برنامها و حمله و شلیخون زدن اجرا میکردند، مورد اصابت خمپاره های عراقی قرار میگیرد، که در نتیجه آن تعدادی زخمی میشوند. خودبخوبه های پاسدار معتقد بودند که یک اصرا رتس کعبه آنجا رفت و آمد داشته، با روشن گذاشتن بی سیم، به عراقی ها درجه ("گراد") داده است.

آبادان

۱۲ آذر ۵۹

* خسرو آباد: طبق خبر واصله از پادگان خسرو آباد، یک اصرا رتس عراقی (کویا سرنگ) از راه اروندرود خود را با شنا به این سوراخ رسیده و تسلیم نیروهای ایرانی کرده و از قرا را ز هوا داران سر سخت امام خمینی است. وی گفته است که در ارتش عراق ناآرامی ها و اعدا م های زیادی وجود دارد. و همچنین در آن سوی رودخانه اروندرود، نیروهای عراقی در سنگرهای بتونی مستقرند، که با یدروش مونسری برای کوبیدن آنها بکار رود.

۱۶ آذر ۵۹

* حبه: ذوالفقاری: شب هنگام تا صبح روز بعد شلیخونی از طرف نیروهای ایرانی به مواضع قوای میاحم عراق در حبه: ذوالفقاری انجام شد، که خسارات آن توسط رادیسو ایران اعلام شد (۲۵۵ کشته و

زخمی و ۶ تانک دشمن نابود شد).

۱۷ آذر ۵۹

* در مناطق مسکونی شهر مباران بی هدف یعنی هوا کماکان ادامه دارد و بخصوص شب ۱۷ آذر تشدید شده بود. این تشدید مباران میتواند به دلیل ورود تعداد دروزا ترونی از مردم به آبادان باشد که به افراد باقی مانده از قبیل و سربازان و پاسداران روحیه، زیاد داده و مزدوران بعضی را نیز ترس و امیدارد. و نقشه های آنان را برای تخلیه شهر توسط مردم، نقش بر آب میکند. چند روز است که در اکثر نقاط شهر مردمی که اغیارا بازگشته اند بطور تادی در رفت و آمد میباشند و تعداد زیادی از دکان ها و معازه ها در منطقه احمدآباد و کفایت در شهر باز شده است. بازگشت مردم شهر واقعا به قوای نیروهای مدافع میهن کمک خواهد کرد و اینکار را با یدشیدا تشویق نمود.

* در حبه: پشت ایستگاه ۷ و ۱۲ و منطقه: فیاضیه کعبه سر: شب سمت خونین شهر میباشند نیروهای عراقی بمقتدار زیادی به عقب رانده شده اند و پشت نخلهای منطقه: فیاضیه نیز از وجود مزدوران بعضی با کساری شده است. در حبه: خونین شهر، وضع تا امسروز تقریبا مانند سابق می باشد و نیروهای ایرانی و عراقی در دوسوی بل مستقر میباشند. * چند روز پیش از یک سربازی که از حبه: پشت ایستگاه ۷ آمده بود شنیدم که ۳ هلیکوپتر عراقی از روی سر آنها ردی شده است که آنرا نگر کرده اند

هلیکوپترهای ایرانی بوده است و میروند تا نیروهای محاصره شده عراقی در حوالی کوی ذوالفقاری را بکوبند. بعدا میبینند که این هلیکوپترها رفته و آذوقه و مهمات برای نیروهای عراقی خالی میکنند. این سرباز در مورد این انتباه انوس میخورند. لیکن آنچه که باید روشن شود اینست که جبهه کسانی این هلیکوپترها را ایرانی معرفی کرده اند و فرمانده و ید دیده بان چه می کرده اند.

* حبه: ذوالفقاری -

نیروهای مستقر در پشت ذوالفقاری که بسیار ریشنا "فدائیان اسلام" هستند، یک شلیخون به قوای میاحم عراقی در حدود جاده: اسفالت میزنند که یکی دو تانک عراقی منهدم و حدودش هفت تانک بدست نیروهای خودی میافتند. بعد از آن بعلت نرسیدن کمک عقب نشینی میشود، که بر اثر آن (بعلت بی حفاظ بسودن منطقه) تعدادی از نیروهای ایرانی کشته و زخمی میشوند.

۱۹ آذر ۵۹

* حبه: ذوالفقاری -

ساعت ۲ با مداد از طرف نیروهای ایرانی شلیخون دیگری آغاز شد که در آن هفتاد تن از قوای میاحم عراقی کشته، ۵ تانک دشمن منهدم و ۳ تانک سالم بدست نیروهای خودی افتاد.

یکشنبه ۲۳ آذر

* (نقل از یک شاهد عینی) -

ساعت ۲/۵ بعد از ظهر یک خپاره در مانگاه ایستگاه ۴ بازرگان میخورد که طی آن دو نفر شهید و دو نفر زخمی می

شوند. زخمی اولی حاجا در اثر ترکش خمپاره کشته میشود و دومی در راه، حین حمل به بیمارستان، در همان ساعت خمپاره دیگری در میدان طبب منفجر میشود که تنها یک زخمی سرجای گذارد. * مزدوران عراقی که شهر آبادان و مناطق مسکونی و درمانی را زیر آتش سنگین خمپاره اندازا از اطراف جاده، ما هلیکوپترها و همچنین از خاک عراق (مشرف به اروندرود) گرفتند بودند، بیمارستان شیر و خورشید که وسیله مزدوران بعضی با خمپاره مورد حمله قرار گرفت که طی آن چند نفر را از امدادگران زخمی و بعضی از بیمارستان با خاک یکسان شد. * بخشی از کارگران غیور صنعت نفت در حبه، جنگ با در پشت حبه مشغول مبارزه علیه تجا و زعرای به میهن و انقلاب خویشند. بیری مردی که ۵۸ سال دارد در قسمت تعمیرات شرکت نفت کار میکند با آنکه دست راستش شکسته است کماکان با روحیه ای قوی مشغول پیشبرد امر کمک رسانی به حبه، جنگ است. جالب است که او فرزندان خویش را (دو پسر را) که طبق گفته، خودش "کمونیست" هم بودند!! بعلت ترک ششیر سرتش میگرد و میگفت آنها فرار کردند. کارگر غیور و انقلابی سا خوسردی تمام کار میکند و بی کوبید تا زمانیکه مزدوران عراقی را از ایران بیرون نکنیم نه مرخصی میگیرم و نه حاضرم آبادان را ترک کنم.

دوشنبه ۲۴ آذر ۵۹

* (نقل از یک کارمند شرکت نفت) - دو نفر را حرم سردن (بقیه در صفحه ۸)

خبرهایی از
چیپه

بقیه از صفحه ۷
اسلحه از آبادان به بیرون، در
ایستگاه ۷ بازداشت گردیده و
هنوز مشخص نشده که این دو نفر
هوادر چه سازمانی هستند.
* ساعت ۷/۵ بعد از ظهر رادیو
آبادان با افراد درون چیپه که
اکثر طبق گفته خودشان
نیروهای سردمی داوطلب
شرکت در جنگ بوده اند و با
ران کمیته انقلاب اسلامی
آبادان پاسداران جزیره دینو
مواجهه داشت. کلیه این
افراد یک مطلب را بیان می
کردند و مسئله عمده مصاحبه شان
این بود که جنگ نباید محدود
نوده شرکت افراد متخصص در آن
و همگی می گفتند نباید
لیبرالهای غرب زده که مرتجعند
اجازه داد که سر نوشت جنگ را
تعیین کنند. با یدبه نیروهای
مردمی اجازه داده شود که در این
جنگ شرکت کنند. یکی از داو
طلبین چنین می گفت: " تجربه
انقلاب ویتنام نشان داد که
ما باید خواهان شرکت خلاق مردم
در این جنگ باشیم چرا که با
لایحه در جنگ طولانی این قدرت مردم
است که رتدنی یا بدوما تنها با
انکا، بد مردم و جنگ طولانی
است که میتوانیم انقلاب را به
پیروزی برسانیم." یکی از
پاسداران کمیته انقلاب اسلا
می در مصاحبه چنین می گفت:
" آنچه که با یدبه توش اما مبرسد
ایست که با یدبه نیروهای
مردمی اجازه داد که در جنگ
شرکت خلاق کنند چون این
نیروها مکتبی هستند. چرا این

نیروها آنچنان امکان شرکت
در جنگ نمیدهند. چرا بر سر
شرکت اینان سنگ انداخته
میشود و تنها عنوان میشود که
نیروهای متخصص باید در این
جنگ شرکت کنند. ما معتقد
هستیم که نیروهای مردمی به
افاضه نیروهای مردمی ارتش
باید در این جنگ شرکت فعال
داشته باشند تا بتوانیم بر
امپریالیسم آمریکا پیروز
شویم.

۲۷ آذر ۵۹

* چیپه، ایستگاه ۷ و ۱۲ -
بارندگی شدیدی در آبادان بود
که باعث خوشحالی همه مردم
شد این امید که در این
بارندگی نیروها و تانک های
عراقی محصور خواهند شد عقب
نشین کنند. اما از زمان شروع
باران نیروهای مزدور و روسی
شروع به کلوله باران و خیمه
ره اندازی بسیار شدید بر علیه
نیروهای ایرانی کردند که تا
خاتمه باران یعنی حدود
۱۵ ساعت این تیراندازی
ادامه داشت. در اثر بی مسالته
و نداشتن کار و برخی اغراض و
تعمدهائی که در نیروهای
ایرانی وجود دارد نیروهای ما
دارای سنگ در دست و حسابی
نبوده در نتیجه تمام سنگرهای
ما پر آب شد بطوریکه تا سینه
سربازان ایرانی و میلیون ها
تومان اسلحه و مهمات در زیر
آب و باران ماند و تمام
اسلحه ها کپور میگرد و خیلی از
نیروهای ما اسلحه و مهمات خود
را گذاشته و به شهر آمده و تعدادی
را آنها هم در اثر سرما مریض شده
و به بیمارستان رفتند. در عوض
گویا اینطور که میگویند و گمانی
که جدیدی با برای شیخون
زدن به دستک نیروهای عراقی
رفته اند میگویند که آنها دارای
سنگرهای بتونی بسیار بزرگ و
محکم هستند که هیچوجه آب درون
آنها نمیرود. تازگی ها نیرو
های ایرانی (بیشتر پاسداران)
شروع به ساختن سنگر کردند در
ضمن نیروهای ایرانی تازگیها

(مثلا ۲۵ آذر تا بحال) شروع
به ساختن سنگرهای از بیس
ساخته شده جالبی کرده اند که
اگر داده دهند بسیار خوب خواهد
بود. فرم آنها بدین ترتیب است
که یک حلال (سیمدایره) است که
روی آن را می پوشانده اند و
فقط دودریجه در بالای آن وجود
دارد که برای دیدن و تیرانداز
زی است. لازم به توضیح است
که این وضعیت سنگرها و حریان
مهمات (زیر آب رفتن) در تمام
حیثها وجود داشته است مثل
ذوالفقاری، فیاضیه، ایستگاه
۷ و ایستگاه ۱۲.

همیشه ای از وقت
ایستگاههای دوازده
در چیپه های جنگ
گروهی از آبیان اسلام

در میان آنهایی نظمی زیاد
وجود دارد و بر خلاف ادعای
مسلمانان در سوای مردم تعداد
زیادی از آنها نماز نمیخوانند.
بسیاریشان لاف زیا میزنند و
دانش میگویند یا بد حمله کرده
کرد ولی فقط بهشتیاد میشود
که پس راه بیفتد و رویم حمله
عقب میزنند. در میانشان
افرادی دیده شده که به چند فقره
دزدی در محل اقدام کرده اند.
در عین حال این گروه مقدار
زیادی مهمات و اسلحه جمع آوری
کرده اند. که حساب آنها از
است خودشان هم در رفته. با این
حال افراد شجاعی هم در میان
آنها وجود دارد و باره ای دسته
های شجاع و غیر متضاد ایشان در
شیخون های مهمی شرکت
داشته اند. ما نندسته هائی از
ایشان در چیپه ذوالفقاری.

خبرهای شرم آور

آبادان - مسئول مسجدی که در
محل کوی دریس (آخر آملت)
واقع است از قتل از باز شدن
چیپه ذوالفقاری به مسجد -

الرسول (مسجد بالائی) منتقل
شده بود. جندی پیش از مسجد یاد
شده خبر رسیده که این شخص را به
حرم لواط خلع گسزده و از
مسجد الرسول بیرون کرده اند.
ما خودمان از برخوردهای قلی
با این شخص (مسعود) غیر عادی
بودنش را متوجه شده بودیم.
منتهی هیچگاه فکر نمی کردیم که
مسئول مسجد در جمهوری اسلامی
هم، بله!

اهواز

حدود ۴۵ روزی است که
اهواز مورد حمله توپ های دور
زن دشمن قرار گرفته، شهر
شلوغ است. جانسنا غنایسی
که بوسیله مردم ساخته شده بود
اکثر مملو از آب باران شده
است. مردم بیشتر سکار عادی
خود با زگشته اند. ورژیم سسی
در عادی جلوه دادن اوضاع دارد
مردم انتظار این را ندا شنند
که با ردیگر این چنین مورد حمله
قرار گیرند. سه روز پیش محله
های لشکر آباد دو کسبلورا میزد
ند. در فلکه لشکر آباد نزدیک
دانشگاه ۴ کارگر که مشغول کار
کنار حاد بودند خون با کشان
در میدان و حاد پخش شد و بهلاکت
رسیدند.
بر روز ۷/۱۰/۵۹ ساعت
۴ بعد از ظهر بود که محله های
حصیر آباد آسیا باد ۲۰ متری
شهرداری، دروازه (بخش شرکت
نفت) و زیتون کارگری به مدت
تقریباً نیم ساعت مورد حمله
توپهای دوزن قرار گرفت. این
حمله ها سحلات شلوغ و فقیر
وزحمتکش نشین هستند. در
هنگامیکه ۸۰ درصد مردم اهواز
شهر را ترک کرده بودند در این
محللات بیشترین افراد مانده
بودند. بنا بر حملتشان و
سابق برداری و نداشتن جای
دیگر. خلاصه اینکه در این روز
چند خانه خراب شد. تعداد ۱۵ تا
۱۵ نفر گشته شدند. مردم، زن
و بچه که میدیدند خانه کنا ریشان
داغان میشود و رو با بونه یا
بقیه در صفحه ۶

خبرهایی از وضع جنگ

در غرب کشور (آذر ماه)

همین سه دانگ ماشین مرسور بوده است. دموکرات های کذاشی گفته اند که چون در این ماشین کارت چپا دسازندگی پیدا شده ما آنرا زدیده ایم!

کرمانشاه

یک راه هیماشی از طرف دستجات وابسته به حزب جمهوری اسلامی با شعارهایی از قبیل "مرگ بر منافق" و "حزب فقط حزب الله" و شعارهای تفرقه افکنانه و منحرف دیگر از چهار راه احاق شروع شد، که تعداد آنها کلا ۶۰ تا ۷۰ نفر بود. آنها میخواستند در شهر اغتشاش بیاکنند، لیکن مردم به آنها دننام میدادند و سنای ریشخند آنها را گذاردند. این راه هیماشی مسخره به محد بروجردی که رسید ختم یافت.

همان چهار راه را میزنند. در شهر تا بعه وسیعی راه افتاده که این انفجار خمپاره است و ستون بنجم از داخل می زند. بهمین خاطر تلویزیون اهواز شب آنروز برنا مه ای داشت که با مصلح این شایعات را خنثی کند. فرمانده پاسداران، نماینده زاندار صری، ارتش، سبح و... هر کدام با دلیلی و حرفهایی میخواستند به مردم قوت قلب بدهند و اطمینان بدهند که این شایعات کار دشمن است و ستون بنجم است ولی بهر حال مردم با این اتفاقات و بخصوص تویتهای امروز نمیتوانند مطمئن باشند که زندگی عادی را میتوانند ادامه بدهند و حتما تا شیر خواهد داشت. گفته میشود که عراق دوباره حملات خود را به حمیدیه و به جبهه اهواز گسترش داده و زدن اهواز خالی از سرب نام نیست.

و کومه لده با دکان حمله می کنند. در تمام منطقه کردستان درگیری میان پاسداران ارتشیان و نیروهای مزدور وابسته به بعث عراق مثل حزب دمکرات جریان دارد و به گفته اربابا نشان آمریکا - شوروی در پی تضعیف از داخل هستند. گروههای بالیزبان از طرف سرپل ذهاب و دستجات "دمکرات" از طرف کردستان فتواید الهیای قشقای و غیره هم که سیکار ننشسته اند.

۲۲ آذر ۵۹ -

کرمانشاه

یک ماشین خاور در راه روانسر - جوار رود توسط دموکراتها (حزب مزدور دمکرات کردستان) دزدیده شد. ایسی ماشین متعلق به دو نفر بود که یکی در "جهاد" و دیگری آدم بدبختی است که در ایش فقط

نشان داده است و در روز پیش به گفته رادیو آمریکا حزب دمکرات فقط مواد سوختی و غذایی از عراق تحویل میگردد ولی دیگر رابطه نظامی حزب را با عراق نگفته است و آن را لایوشناسی کرده است (که تلفاتی هم به طرفین وارد شده است و یک گفته نیمه موشق حاکی از آن است که نیروهای عراقی تا مرز میسون پیشروی کرده اند. نیروهای سرباز ایرانی در مرز میسون هزار نفر هستند البته بجز پاسداران، قیاده موقت و غیره. نیروهای ایرانی تا کنسون (۱۶ روز پیش) ۱۵ دمکرات را اعدام کرده اند.

سنندج و کامیاران

پاسداران و ارتشیان تا حدودی در نواحی کامیاران و سنندج استقرار پیدا کرده اند ولی دائما پیشمرگان دمکرات

خبرهایی از جبهه

بقیه از صفحه ۸
روزنا مدفروش، لباس فروشی شلغم فروش، سزی فروش و از این قماش دورا بین چهار راه جمع اند و بعد از جنگ هم زیاده شده اند. این توب کمانی را که کشته و زخمی کرده، جنین مردم زحمست کشی هستند. عراق با این ها دشمن است، امیریا لیم آرم - یگا دشمنی اش را چنین نشان میدهد و حملتش غیرا را این نیست. خوب است بدانیم در این چهار راه امسال سومین بار است که انفجار رخ میدهد یکی قبیل از جنگ با سبمی که ستون بنجم دشمن کار گذاشت تعداد زیادی کشته داد، با ردوم روزی بود که رفیق شهید عبدالله فتاحی سخاک سپرده شد و با خمپاره اینها را زدند و این با رسوم است که درست

بچه در بغل بطرف بیا بیا آنها و تپه های اطراف میدویدند و کلی بهراس افتادند. دیروز حمله ای صورت نگرفت ولی امروز قحیح ترین حمله واقع شد. چندین گلوله و انفجار آنسوی رودخانه کسه کشته هایی داد. در چهار راه خمینی یک توب میخسورد از انفجار این توب حدود صد نفر زخمی - تعداد زیادی کشته که هنوز دقیق نیست. چهار راه خمینی (چهار راه پهلوی سابق) ساعت ۴ تا ۵ بعد از ظهر تلویغ است، تلویغ ترین موقع روز، عده ای برای خرید بیابا ز رفته اند، مرکز شهر است. عسده زبایدی دستفروش - از با قسلا فروش، سیگا فروش، گفاش -

سرپل ذهاب :
یک خبر موشق حاکی از آن است که در یکی از آبادی های نزدیک سرپل بنام پیران بر اثر اصابت توب در یک خانه ۸ تن از افراد یک خانواده کشته شدند. و یک نفر هم در حال کندن قبر برای اجساد مورد اصابت توب قرار میگردد و کشته میشود. البته در ۷ یا ۸ روز پیش از این اتفاق افتاده است.

نیروهای ایران مشابه یک گفته، نیمه موشق در ۴ روز پیش تا قصر شیرین پیشروی کرده بودند و به دستور فرمانده عقب نشینی میکنند و خیلی از بازمانده های جنگی عراق به دست نیروهای ایران افتاده است مانند جیب - انواع سلاح - و غنا تم جنگی دیگر. و یک خبر دیگر هم حاکی از آن است که نیروهای عراقی در دو تا سه روز پیش با شلیک مداوم توب تا حدودی پیشروی کرده بودند. نیروهای عراقی در بالای یکی از کوه های بلند قصر شیرین قرار دارند و در رفت و آمد نیروهای ایرانی را تا حدود زیادی در نظر دارند و بیشترین حمله تویخانه خود را متوجه تراکتورهای در حال نخ مزدن میکنند. و بنا به گفته یکی از رفقا برای منهدم کردن یک تراکتور مقدار زیادی توب سوی آنها پرتاب میکنند، که معتبره هدف ضخورند. نیروهای عراق در دشت ذهاب مستقر هستند.

مریسوان

جنگ شدیدی میان نیروهای عراقی و ارتش در گرفته است اما حزب دمکرات که با نیروهای عراقی تا کرده است منطقه کردستان را به دست عراقیها بدهد حمله همکاری گسترده ای هم

خبرهای از جبهه

بقیه از صفحه ۹

* ۵۹/۹/۱۶ - شی که توسط فدائیان اسلام و افراد سیخ به نیروهای تجا و زکریا حیحون زده میشود:

شکات مربوطه: تلفات دشمن نزدیک به ۲۰۰ تن کشته و زخمی، ۴ تانک منهدم، یک انبار مهمات منفجر، ۱۲ نفر اسیر (اسرا خود راهمائی حاده را دادند و به سربازان حامل اسرا راه انتقال بدین طرف رودخانه، بهمشیور نشان میدادند). مهمات از طریق ارتش به فدائیان تحمیرسد، فدائیان اسلام به امید اینکه مهمات خواهد رسید به پیش میتا زنده در نتیجه وقوع برکشتن از شیخون راه تعویق میاتدا زنده اما مهمات نمی رسد و در نتیجه موقع برکشتن از شیخون هوا روشن میشود، گسه متعاقب آن دشمن تمامی افراد را به رکیار تیربارکا لیر ۷۵ و ۵۰ می بندد و نزدیک ۳۰ نفر شهید و ده ها نفر زخمی میشوند. هم فدائیان اسلام و حتی سربازان و امدا دکران این خیانت آشکار را فهمیده و تفرشید خود را از فرماندهان ارتش و دولت منردان مدافع سرسخت ارتش نشان میدادند. در این درگیریها "شاهرخ" آریبی جی زن ۱۰۶ زن از گروه فدائیان اسلام تحت رهبری هاشمی شهید میشود و دست راست خود هاشمی نیز زخمی میشود. یکی از زخمی های فدائیان اسلام میگفت اگر مهمات کافی برسانند تا عصر فردای همان شب نیروهای عراقی تا روبا میشوند (ولسی نماندند). البته در اثر رکیار تیربارکا رهای دشمن اکثر شهیدان و تعدادی از زخمی ها در جا مانده اند و کسی قادر به نجات تشسان نیست.

* ۵۹/۹/۱۸ - شی که قرار بود یک پیشروی وسیعی با هماهنگی ارتش پاسداران، سیخ و فدائیان اسلام انجام یابد:

قرار بود توپخانه، شادگان - ما شهر و آبادان مواضع ارتش عراق قبل از ساعت ۲ و در طول پیشروی بکوبد و نیروهای پیاده نظام را یشتیبانی کنند. در ساعت ۲ حمله وسیعی شروع شود تا اینکه مواضع دشمن با روبا رشود. اما بنیرا ز توپخانه، آبادان دو توپخانه، دیگر (شادگان و شاهپر) املا تاش نمی کشا یبند. فقط ساعت ۴ یعنی شب آتش های براکنده شروع میکنند، که حکم نبشدا روپس از مرک بهراب دانند ۱۰ - بطور کلی نیروهای مسلح ما بدون پشتیبان ماند ۲ - رابطه، فرماندهی نفرات، بسا نیروها قطع میشود (در اثر تیر خوردگی فرمانده، که یک افسر شجاع - بگفته، سربازان - است و خود تیربارکا حمل میکرده) نیروهای مردور هم به رکیار میبندند و باعث میشوند که نیروهای مسا رابطه شان بکلی قطع شود. در نتیجه یکده عقب نشینی و یک عده پیشروی میکنند و همچنین این امر باعث شد که خیلی از نفرات ما کم شوند یا بدست دشمن یابند. ۳ - نیروهای دشمن منجا و از جریان پیشروی مطلع بودند. این جریان پیشروی خیلی علنی شده بود (که نباید باشد) ۴ - بین ساه و ارتش هماهنگی سر قرار نشده بود. ۵ - دشمن به تجهیزات سنگین و سگ مجهز بود. ما نبودیم، تانک و غیره نداشتیم، در حالیکه دشمن فقط درخسپ اول جبهه ۱۵۰ تانک ردیف داشت، در اثر این همه مواضع، پیشروی ای که نکردیم هیچ، تلفات سنگین، زخمی و شهید زیاد داشتیم. بیسی از ۳۰ شهید و نزدیک به ۵۰ زخمی داشتیم. یک هلیکوپتر در اثر

اما با کلوله، دشمن سقوط کرد، یک میگ عراق و یک فانتوم ایران میآیند و منتها بمباران نمیکنند ۴۰ هلیکوپتر ایران صبح فردای آن روز می آیند مواضع دشمن را میکوبند، که یکی متلاشی میشود (سعد از ۵ دقیقه روی زمین میفتند)، طلبانان سالم هستند. هلیکوپتر دیگر ایران در جسیبانی از هلیکوپتر متلاشی نشده، می خرید. رکیار میرد، که در اثر این رکیار ۵ نفر از نفرات خود - مان هم رجمی شد.

آتش در کوی ذوالفقاری برای حمل زخمیها از روی رودخانه، بهمشتیرد و مایق لاستیکی کوچک داشتیم که یکی بسریبند داشت که بعداً سترین پیدا شد، و هیچ کافی نبود. خون زخمی همیشه فور میرفت و سریع نمیتوانستند انتقال را انجام دهند. چون در عرض ۵ هفته که حتی یک بل آیکی برای حمل زخمیها روی رودخانه نژده اند، در نتیجه زخمیها در اثر خونریزی، بیشتر مواضع تلف میشوند (در سیمارسانها). با زخمی هنگام حمل خیلی ناراحتی و خونریزی پیدا میکنند. البته از طرف سربازان و امدا دکران، پاسداران و حتی فرماندهان گروه ها در جبهه برای بلزدن فشار می آورند (با این حال که فلاحی - سنی مدربه این جا آمده و میدانند) ولی بل نمیزند و هیچ اهمیتی بدین مسئله نمی دهند. از طرف حاده، کوی ذوالفقاری که از رودخانه، بهمشتیر به حاده، خسرو آباد، آبادان وصل میشود، خاکی و پراز دست انداز است، امدا دکران با مشکل حمل ممدومین مواجه هستند، سوسزه شینا در نخلستانهای راه گیری کنند که پرسخ و دست انداز خاکی است، خلاصه رجاج اش خیلی وخیم است. در این باره در عرض ۵ هفته یکبار رسر - نکرده اند، در حالیکه عراق در عرض روز بلی میبندد روی آب زده و نیروهای خودش را به این سوی رودخانه منتقل کرده بود.

در ایستگاه ۲ هم همینطور: پیشروی موفق نبوده، حتی صحبت بوده که یک سفر عراقی را هم نتوانسته بودند بکشند، بعلت نداشتن پشتیبانی و لورفتن طرح.

* ۵۹/۹/۱۸ - ۲/۵ بعد از ظهر، یک گروه ۳۰ نفری با تجهیزات ناقص میخواهد از این طرف رودخانه بهمشتیرد:

کوی ذوالفقاری به آن طرف رودخانه میفرستند: شب تاریکی مطلق، قایق درست و حسابی ندارند، از طرفی مهمات به آنسو منتقل میکنند. ناخدا حین اینکه مهمات را می - خواهد حمل کند، ۳ انفرا گروهی اعزامی وعده ای ارجینه (می - خواهند سوار شوند، ناخدا میگوییده مایق سنگین میشود ولی مورد قبول واقع نمیشود. قایق با مهمات و خود ناخدا، ۱۳ نفر، در وسط رودخانه مطلق میزند و به غیر از ۵ نفر مان بقیه به قعر رودخانه میروند. با مایق لاستیکی کمک رسانی میشود که فقط میتوانند ۳ نفر از همین ۵ نفر را سوار کنند و دو نفر دیگرشان کسان نجات بی - یابند. علت مطلق شدنشان بدین قرار است: (۱ - قایق به حد کافی در اختیار نداشتند (سنا به گفته، فرمانده، کار رسانا خیلی کوی ذوالفقاری که یک افسر مار زو حاسی است، میگفت چندتن با رنو ستم و حواسم که تجهیزات بکدارند در اختیار م ولی تا بحال نکذا ستر و کونا هی کردند، و مسئولیت کسان را این جوانان به عهده، فرماندهان است) ۲ - بلی بر روی رودخانه نژده اند و هنوز که هوز است به این کار اساسی دست نمیزنند، فقط دو تا بشکه نفت را به هم جوش میدهند تا بل شنا و درست کنند، که نزدیک جها رفته است صبح حاضر نشده - تازه حاضر نشده در دابخسور نخواهد بود، چونکه در اثر شایستگی بشکه ها از هم جدا میشوند. بار (بقیه در صفحه ۱۱)

خبرهایی از جبهه ..

بینه از متحد ۱۰

تلفات بایستی مدهم! ۳- در شب تاریکی مطلق نیروا اعزام میکنند، حال اینکه روز میتوانستند اینکار را بکنند. علت عدم نجات غرق شدگان: ۱- عدم وجود دوربین مادون قرمز ۲- نداشتن نورافکن که در مواقع اضطراری استفاده میشود. ۳- نداشتن غواص ۴- نداشتن قایق به حد کافی که میتوانستند سراغ شان بروند. ۵- اصلاً بطور کلی نداشتن تجهیزات برای نجات غرق شدگان. برخورد ارتش به این مساله: ۱- به هیچ وجه اهمیت نمیدهند. میگویند جبهه جنگ از این کارها میشود، نمی - خواهید، نمی آمدید! ۲- تاکنون به یک حرکت سریعی برای نجات جسد ها اقدام نشده است ۳- به مساله سردر خورد میسود، انکار نه انکار چیزی شده است. ۴- فرماندهانی که در جبهه ها هستند، همه شان فقط میگویند ما هر چه شما کم میکنید میگوئیم ولی چیزی که بایستی بدرود خوربا شد در اختیار نمی گذارند.

* ۵۹/۹/۱۹ - جندنفراز کار در ساحلی اروندرود برای ردیابی قایق غرق شده می آیند:

بعد از تلاش چندین ساعت میگویند که قایق کویا در همان جای اول غرق شده و فرار میشود بروند، غواص بفرستند. رفقای غرق شدگان از فرط ناراحتی، اکثراً مریض و روحیه شان کوفته شده و همان شب اتفاق را بر ملا میکردند و صحبت بود که جمع بشوند ۴۰۳۰ نفری پیش امام بروند (همگی مسلح) و به امام موضع را بگویند، اگر او هم رسیدگی نکرد، ترک جبهه گویند. حتی میگفتند اگر در راه جلوتان را بگیرند در کیر خوا هند شد (البته این مساله فعلاً عملی نشده است)

- بعد از ظهر چندین خبرنگار خارجی و ایرانی به جبهه ها می آیند، یک سرگرد و یک سروان (که میگفت مسئول ایدئولوژی - ژیک ارتش است) همراه ایشان بودند. دکتر شیبانی نیز همراه اینها بود. البته سرگرد سربازان را دعوت به سکوت میکرد زیرا در حرف نزنید، منناخص نباشد، و از این حرفها که هیچ علاقه نداشت سربازان خواسته های منطقی و بحق شان را مطرح سازند، طوری که حتی سروان با اصطلاح مسئول ایدئولوژیک، خیلی طلبکار هم بوه یعنی زمانیکه سربازان در باره، تعویض و نواقص و رطوبت سنگرها و غذا و مهمات و غیره صحبت میکردند، نه تنها تحویل نمی گرفت بلکه با پرخاش از خودش میبازند، سربازان تصمیم گرفتند ولودر صورت زندانی شدن و یا کتک خوردن، حرف شان را خواهند گفت. در نتیجه سروان را وادار کردند که به حرفهایشان گوش دهد. اکثراً از عدم تعویض بموقع ناراضی داشتند. از عدم رسیدگی به وضع سنگرها، ترساندن مهمات، از کوتاهی مسئولین در رفع نواقص و کمبودهای جبهه ها، در باره، غرق شدن رفقای شان در رودخانه و غیره. که او قول داد و یا داداشت برداشت که با اصطلاح به ظهیر نژاد و فلاحی جریان را اطلاع دهد. اما او دروغ گفت، چون به زور وادار شده بود حرفهای سربازان را گوش بدهد. فرمانده، خبرنگاران را به آن طرف رودخانه برد، یک سری عکسرداری از تجهیزات منهدم شده، عراقی در زمان درگیری کوی ذوالفقاری شد و از سربازان حریکاران میخواستند از سنگرها بازدید کنند، که جلوگیری شد، و زیادنت کنترل بودند. خبرنگاران ایرانی خواست با اصطلاح

سربازان سرود بخوانند تا اضط بشود و چیزهایی را بخورد مردم بدهند که واقعت ندارد!

* ۵۹/۹/۱۹ - سرهنگی از ارتش عراق، عرض رودخانه اروندرود را با شنا طی میکند، و خود را تسلیم نیروهای ایرانی میکند:

اوبه کسانی که ملحق شده بود میگفت: "تمام توپ و خمپاره که شما به مواضع مادر حوالی رود اروندرود میزنید، به نیروهای ما اما - بت نمیکند". "زمانی که شما خمپاره میزنید نیروهای عراقی در سنگر هستند". نکته: حالب در این است که اگر سربازان عراقی بیرون از سنگر هم باشند، به علت اصابت خمپاره و توپ نیروهای خودی در چندین کیلومتر آن طرف مواضع و سنگرهای ارتش عراقی به آنان اصابت نمیکند. سرهنگ عراقی راهنما میگرد که چگونه مواضع آنها را باید در هم کوفت.

* * * حال می نشینیم با سربازان در سنگر شان و گوش میدهم به دردهایشان و نظراتشان به رخ داده های که در قیل گذشت را می شنویم. وسینیم اینها از حسک چه میگویند و چه میدانند؟

در یکی از سنگرهای جبهه، کوی ذوالفقاری، با چند نفر از جبهه های شمال که از طریق توجان (مشهد) اعزام شده اند و نزدیک ده روز می - سو که در این جبهه مستقر هستند، بای سخن می نشینیم. اینها صحبت میکنند: "عرض دوماه ما را از منازل بیرون کشیده اند و هنکا مدرکیری های خرمشهر که بایستی ما را اعزام میکردند، تا خرمشهر را از سقوط نجات دهیم، حالا آورده اند و زمانیکه درگیری های خرمشهر جریان داشت، ما را در قوجان، یا در اطراف اهواز نگه داشتند بودند و حتی توسط میگهای عراقی شناسائی شده بودیم، و هر روز به فرماندهان رجوع میکردیم که ما را به خرمشهر اعزام کنند، ولی آنها هیچ اهمیتی به این مساله نمیدادند، تا اینکه خرمشهر سقوط کرد. بعد چند روزی آوردند و در آبادان نگه داشتند، حالا هم اینها آورده اند." آنها میگفتند: "دست هائی در کار است که نمیخواهد جنگ پیروز شود، و میخواهند دوستی شهرها را به دست متجاوزین عراقی بدهند، چرا ما را بموقع به جبهه های جنگ خرمشهر آبادان نمی برند؟" این مساله ای است که جواب منسبطی می طلبد. یکی دو نفر شان از وضع غذاها ناله میکردند و میگفتند اینها از طریق میخا هند روحیه ها را تضعیف کنند مثلاً ما را بموقع تعویض نمیکند، که بتوا نیم به خانواده هایمان سربزیم و دوباره برگردیم. بویژه امروزه در باره، کشاکشای سیاسی در شهرستانها و تهران را محکوم میکنند، از هر طرفی که باشد. می - گویند، اینها مسئله شان این است که مساله، اصلی جنگ فراموش شود، یا اینکه بای این درگیریها که راه می اندازند دشمن را شاد میکنند. ما میچکنیم و آنها بر سر قدرت دعوا راه می اندازند و مساله اصلی وحدت را فراموش کرده اند و بنیابستی به این سیاست های خطرناک دست بزنند و موجب تضعیف روحیه جبهه بشوند.

بایکی از سربازان منقزی ۵۶ به صحبت می نشینیم. اومی - گفت: "صبح زخم وضع حمل کرد، شب من اعزام شدم، الان ۷۵ روز است که خبر ندارم! وضع خانواده ام چطوری است در حالیکه خانواده ای میگوید ۴۰ هزار منقزی ۵۶ پشت جبهه ها آماده داریم. اگر خانواده ای راست میگوید، پس بایستی ما تا ۴۵ روز عوض می - شدیم و بجای ما تازه نفسها بایستی می آمدند و اینک نفرات آماده داریم پس چرا نمی فرستند و باعث تضعیف روحیه ما میگردند؟" خیلی از این که به مسائلشان و دردهایشان رسیدگی نمیکنند ناراضی بودند.

بایک عده، دیگر از سربازان منقزی ۵۶ صحبت میکنیم. آنها میگویند: "زمانی که سنی صدر و فلاحی به جبهه کوی ذوالفقاری

خبرهائی از جبهه .

شماره صفحه ۱۱

زمانیکه عده ای . . .

از دانش آموزان مبارزان را این محنت بدست مسئول امور تربیتی و معاونان و نهار جزبی - اش اخراج می شود. اعلامیه زیر که از سوی " کمیته هماهنگی خلق الساعه ای کدکوبا (السته نقط کوبا) بحسی از این مبارزات راجحت رهبری دارنده شیوه ای که فقط پلیس از آن سود میجوید اظهار میدارد که ۳ نفر از این دانش آموزان هوادار ما هدین هستند و یک نفر هوادار اتحادیه کمونیستها .

ولی با کمی دقت در اعلامیه و واقعتهای واقعی این مبارزه روشن میشود که نویسنده اعلامیه دانش آموز که نیست ، هیچ اهل محل هم نیست !!

اولا - تاریخ درگیری (یکشنبه ۳ آذر) ننسوده ، بلکه چهارشنبه ۲۶ آذر ننسوده است !

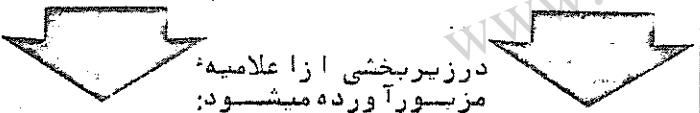
ثانیا - کسی بجز آن مبارزین از اعلامیه خبردار است !!

و بالاخره - اینکه "مجموع شریعتی" املا در بازی آزاد نیست ، بلکه دریا خبی آزاد است !!! یکی نیست نه این "کمیته هماهنگی" بگوید شما که از سرت قدیبه کا ملا بی اطلاعید مگر مجبورید اعلامیه ما در کنید و عده ای راه می خودوسی حیت لیبودید!

آمده بودند ، بر سر تعویض صحبت کردیم ، فلاحی در جواب اینکه کی ما بایستی سر کردیم ، گفته است که یا این جبهه ها را کورسان شما خواهیم کرد یا کورستان عراق !! اما اخباری که از تارین صحیح ۵۹/۹/۱۶ تا ۵۹/۹/۱۹ نشان میدهد ، گویای این واقعیت است که آقای فلاحی و سرکایش در جهت عمل کردن قسمت اول جواب خود کوشش میکند ، یعنی تبدیل جبهه ها به کورستان سر بازان ایرانی نه عراقی !!

اما تا نیرو قایمی که از روز ۹/۱۶ تا ۹/۱۹ در بالا آمد ، بقدری بدومنی بوده است که سر بازان بدانجا ، مختلف ، و مطرح کردن مریضهای کوبا کون در مده ترک جبهه ها هستند ، سویزه بعد از ما هده ، غرق شدن همشهریان شان یا حنا بیت غلنی فرماندهان و با جار و حمال بر آنداختن های انحصارگران حزب جمهوری اسلامی ، همه میکنند فایده ندارد ، ما میبکنیم ، الکی ما را سده کستن میدهند ، ما اینکه خودشان بهره برداری کنند . میگفتند : " ما کرد در جبهه ، جنگ شهید میشدیم ، افتخار راست ، اما اینکه توطئه کنند ، ما را در آب غرق کنند ، پل نزنند ، جاده درست نکنند ، مهمات نرسانند ، پشتیبانی نکنند ، و ما کشته شویم ، نه تنها شهید نیستیم بلکه قربانی توطئه های شوم این جنایتکاران میشویم . البته بایستی توجه کرد که هنگامی که آقای بنی صدر منقذی غن ها را به نظام وظیفه فرا میخواند ، بدون چون و چرا همدرامیطلبند ، بدون اینکه ببینند چه کسی مریض است (مریضی که هیچ نمی توانست در خدمت جنگ باشد) که البته ما در جبهه ها دوتنوع افراد داریم ، مثلا ما کسی را داریم که حتمه های ۱۵ متری را نمی بیند . میگوید " اگر من به آنور رودخانه یعنی خط اول جبهه بروم ، کشته میشوم و میخوام بروم " . یکی دیگر میگوید : " من را تیسم دارم (واقعا دارد) و نمی توانم تکان بخورم ، در نتیجه نمی توانم خودم انفرادی انجام دهم ، در نتیجه آکاها نه خود را بیلاکت رساندن اشتباه است ، و من انجام نمی دهم " . از این واقعیات تلخ زیبا داست . آری ، شسی که جبهه ها غرق شدند ، همین ناراحتی و وضع روحیه ها خیلی با این بود . همه میگفتند اینها حتما با این توطئه ها همه ما را میکشد ! سر کردیم : برویم ، هیچ کس نمیتواند جلوی ما را بگیرد ، رکیا ریبندیم !

در این اکثر امدادگران خط فکری فدیت با فرماندهان ارتش ، بطور مشخص مشاهده میشود . و علنا سر علیه فرماندهان خائن ارتش بدویبراد میگویند و خیانتهای آنها را اشاء میکسند و همه منفعل القول معتقد هستند که توطئه های در اس کار است . طوری که اخبار غلو آمیز را دیورا قبول ندارند و میگویند ، اخبار را دروغ میگویند و میخواهند حنا یا با فرماندهان را سرپوش بگذارند . در بین سر بازان سیستم فکری صد نظام ارتش و فرماندهان و ضد حزب جمهوری اسلامی وجود دارد و میگویند اینها فقط در فکر تدرب و بهره برداری سیاسی هستند ، تا اینکه هم دیگر را بکوبند ، اما بطور کل سجه های امدادگر خوب فعالیت میکنند ، عا صر صادق و انقلابی زیبا در بین شان پیدا میشوند . واقعا اگر این امدادگران (هلال احمر) نبودند ، اکثر مزدومین تلف میشدند . شب و - به در صفحه ۳




در زیر بخشی از اعلامیه مزبور آورده میشود:

سرکوب دانش آموزان انقلابی

سیاست هشت جاگله در مقابل جنبش دانش آموزی

دانش آموزان انقلابی و آگاه! محصلین مبارز مجمع تربیتی

چنانکه میدانید در تاریخ یکشنبه ۳۰ آذر ماه به ملت نصب قطعاتی از یک روزنامه و در پی آن انتشاری بعضی از نیروهای سیاسی در محیط مدرسه در گورگی به نامتری در دبیرستان شریعتی پیش آمد و بدنبال این اطلاق عده ای از اینان از خارج دبیرستان که بعضی از آنها حتی مسلح به تفه بودند به دانش آموزان انقزی و مبارز حمله ور شده و به ضرب و جرح آنان می بردازند "اولیا" مدرسه و بطور مشخص در دبیرستان جناب آشناسان نیز که تنها بحری سیاستی است استیلا برهمه بجای اعتراض به عمل آویختن یک نفر از دانش آموزان هوادار اتحادیه کمونیست ها را اخراج میکند . بعد از اخراج این سه تن در دفتر هوادار سازمان مجاهدین خلق و بنک نفر هوادار اتحادیه کمونیستها ، دانش آموزان انقلابی برای اعتراض به این عمل ضد انقلابی دست به راهپیمایی در محیط مدرسه زدند و شمارهای از قهیل شورای نمایان اشاء باید کرده است زندانی سیاسی آزاده باید کرده . فعالیت سیاسی آزاد باید کرده - و غیره مده هفت روز پنجشنبه ، آبتنامان مدیر دبیرستان دانش آموزان را در زمین ورزش مدرسه جمع کردند و ضمن تهدید دانش آموزان به اخراج آنان را از انجام هرگونه فعالیت سیاسی در محیط دبیرستان برفضر مبادرت در همین روز یکی دیگر از دانش آموزان هوادار بیگار را بدلیل بخش تبلیغی از دبیرستان اخراج می کنند .

کمیته هماهنگی دانش آموزان و مجمع شریعتی (تاری اند)  هواداران ! سازمان بیگار و راه آزادی طبقه کارگر - سازمانان زینده گان آزادی طبقه کارگر سازمان وحدت کمونیستی - اتحاد مبارزان کمونیست



خبرهای پراکنده کوتاه

(با صدای خوانندگان مرتجع)
 در وصف کردستان بخش میشود .
 * طی هفته گذشته دونفر را یکی از دانشگاه متحدين ويكي را از هنرستان بسیار بزرگ حرفه ای (اُرت) که سابقاً مسال بیهودیان بوده پاکسازی می کنند (هنرستان واقع در نواحی مسگرآباد است) وقتی طرف اعتراض میکند که چرا چنین کاری کردید میگویند شما بیگ معرفت بیا و رید تا استخدا شوید او میگوید من ۱۵ - ۱۸ سال در اینجا کار کرده ام و چندین فرد معروف در هنرستان را بعنوان معرف ذکر میکند ما به او می گویند " معرف با پیدازنیهای انقلابی باشد ، مثلاً سیاه ،

جهاد ، کمیته ، مسجد و ... " در ضمن پس از مصادره ، این مؤسسه از آن استفاده ، چندانی نمیشود و مثلاً در کلاس ما بیسی تحریر فته اند و تا مدت ها دستگامهای ما شین تحریر را برده و فروخته اند . این موسسه احتمالاً چند میلیون تومان ماشین آلات صنعتی دارد .
 * در همان روزی که قرار بود ما مطلاع به خابیت از ولایت فقیه و روحانیت مسالرزراه - پیمائی بگذارند ، آیت الله بهشتی به اصفهان رفته بود تا کنترل کارها را داشته باشد و برنامه خیلی سراسری بوده است .
 * * *

" هو " کردن او آمده بودند .
 مضمون سخنرانی در مورد " رو - حانیت مبارز " بوده است .
 هنجنی یکی از سها مداران شرب کت چاپ و پخش کتابهای درسی است .
 * مشهد :
 - سخنرانی بهشتی در مشهد برگزار نشد . برخلاف آنچه که اپادیش گفته بودند که ایسن سخنرانی برگزار شده است .
 * تهران :
 - مادران زندانی هسای مجاهدین که برای بچه هایشان به زندان میروند خودشان را زندانی میکنند .
 - در منطقه پایشین نازی آباد پاسداران به دو دختر مجاهد تحا و زکرده اند .
 * اهواز :
 - کارخانه نوردکا و بیسان اهواز بعد از حمله عراق به اهواز کارگزارانش را اخراج کرده اند . این کارخانه تا بحال شش گسته داده است .
 - قانونی بوده که مجروحین جنگ نصف حداقل حقوق به آنها پرداخت شود و اخیراً طی بخش نامه ای لغو شده است و گفته اند صبر کنید تا کتبی آن بیاید .
 - کارگرمبارزی در نورد شهریا ربا شرمخپاره شهید شده است .
 * کردستان :
 - شایع است که حزب دمکرات اعلامیه ای داده است و گفته که هرکس به هر عنوان از کردستان خارج شود دیگر حق بازگشت به کردستان را ندارد .
 - رادیو آمریکا گفته است که حزب دمکرات تا ۲ سهم سه در مجلس در طالقان سخنرانی داشته که به اعتراف خودش صد نفر بیشتر در زیر منبرش نبوده اند و تا زه اکثریت هم بسسرای

خبرهایی از جبهه . . .

بقیه از صفحه ۱۲ :
 روز در جبهه ها کشیک میدهند ، چون ارتش حداقل در جبهه ، کوی ذوالفقاری و ایستگاه ۲ آمبولانس نیآ ورده ، فقط در ایستگاه فیاضیه ۲ آمبولانس دارد ، اکثر کارهای ارتش و کار جبهه ها را با جها د سا زندگی و هلال احمر و یا مردمدا و طلب انجام میدهند .
 بیشتران معتقد هستند که ارتش در مهمات رسانی و نیسآ وردن تجهیزات سنگین آگاهانه خیانت میکند ، چندین بار مشاهده شده که افراد بسیج با شلوار شخمی (پاچه گشاد) و برنوبدست به جبهه میروند ، و زخمی و یا شینید زخظ اول جبهه با زگردانده میشوند . در جبهه ذوالفقاری نه دوربین مادون قرمز ، نه نورافکن ، هیچ چیزی وجود ندارد و در بیک وضعیت اسفناکی بسر میبرد ، تضاد فدایشان اسلام ، پاسداران با ارتش خیلی زیاد است ، زخمی های شهیدان همدیگر را به رخ هم میکنند !

ستان در دست مجاهدان است و ما از دولت خودیا سیورت نمی گیریم بلکه از کمیته نهضت پسا سیورت میگیریم که از زوی آن در ایران برای ما شنا سنا مه ما در میکنند " او در ضمن میگفت که " از ایران و پاکستان به مجاهدان اسلحه میرسد " و موضع درستی در مورد پاکستان نداشت او از قسی القلب بودن سربازان روسی سخن میگفت و در ضمن اظهار میداشت در سنگرها علاوه بر عکس رهبران جنبش افغاننستان عکس خمینی هم همه جا وجود دارد " .
 * کرج :
 - شهرداری کرج مزاحم لبو فروشیها میشود که لسو فروشیها با کار دو تیر به ما موران حمله می کنند و چند ما مور را زخمی میکنند در این درگیری عده ای از لسو فروشیها دستگیر میشوند ما بعداً بقیدضمانت آزاد میشوند .
 - هنجنی نماینده کسرج در مجلس در طالقان سخنرانی داشته که به اعتراف خودش صد نفر بیشتر در زیر منبرش نبوده اند و تا زه اکثریت هم بسسرای

حقیقت

ارتان

اتحادیه کمیونیستهای ایران

را بخوانید و بخش کنید

خواهد کرد .
 - اخیراً ترانه های ارتجاعی

سرنوشت اعلامیه کذائی

دادستانی آبادان

در حین انجام دزدی، این کار ساواک ما بانه را انجام میدهند. لازم به تذکر است که تا کنون چندین بار اتفاق افتاده که این افراد دستگیر شده اند و بیهوده سپاه تحویل داده شده اند. این افراد همگی بعد از دستگیری می گفتند که ما را پیش فلان کسین در سپاه ببرید!! همه این افراد سراغ افراد بخش تحقیقات سپاه را میگیرند. خود را مرتضی یا این بخش معرفی میکنند و اتفاقاً (!!) با پاسداری میانی همین افراد آزادمی شوند.

مخالفت با آن در سیشتر نیادهای در سپاه، سیخ، سمنارستانها، بین کارکنان شرکت نفت، بین ما موران و کارکنان باقی مانده، ادارات دولتی و... بطور آشکاری بروز نمود. این مخالفت حتی برخی افراد بالای دولتی در شهر (جون رئیس سپاه آبادان و آقای نصرالهی، نماینده آبادان در مجلس) را هم بدرجات مختلف دربرگرفت. اطلاعات دوم متاثر از این جریان مخالفت و برای اسلام تلویحی و ظاهری قطع بکسیر و بسندها بوده است. ظاهری چرا که از طرف برخی محافل (به احتمال قریب به یقین وابسته به حزب کذایی) در سپاه و دادستانی، گروه های غیر رسمی و غیر علنی برای این کار تعیین شده اند. این گروه های منحط

حکم قانونی کسی را دستگیر کنند و با وارد خانه کسی شده و دست به خانه کردی بزنند. همراه با صدور این اطلاعیه بکسیر و بسندها خانه کردی تا حدود زیادی کاهش یافت. دلیل بیرون دادن اطلاعات دوم چه بود؟ بعد از صدور اعلامیه کذایی اول، جریان

همانطور که میدانیم یکی دو هفته بعد از صدور اعلامیه کذایی دادستانی آبادان در مورد خروج نیروهای مترقی، بکسیر و بسندها شهرت یافت. حدوداً دو هفته بعد از این اعلامیه، اطلاعاتی دیگری ما در دسترس قرار ندادند و هیچکس حق ندارد بدون

هواداران پیگار باید بخود آیند!

بطرز شرم آوری شهر را ترک کرده اید، چرا؟ سکوت کرد... وقتی به این رفیق گفته شد که شما تنها خودتان فرار کرده اید، بقیه در صفحه ۴

چندی پیش، یکی از هواداران "پیگار" برای بردن اسباب و اثاثیه خود به آبادان آمده بود. در بحثی که با یکی از رفقای ما داشت، عمدتاً همان "استدلالات" پیگار را تکرار میکرد. این رفیق، در پاسخ به اینکه چرا همه شما، حتی آن کسانی که قرار بود به اصطلاح به عنوان خبرنگار در اینجا بمانید، شهر را ترک کرده اید، میگفت که سیاست ما زمان این است که شهری که احتمال سقوط آن بسیار زیاد است، باید فوراً تخلیه شود و ما هم همه رفتیم!! وقتی به این رفیق گفته شد که پس مردمی که اینجا باقی مانده اند (که تعداد زیادی از آنها هم کارکنان شرکت هستند) و "رهبر" شان که شما باشید چرا فرار کنید؟ سکوت کرد!! وقتی به این رفیق گفته شد که سنی صدر که به زعم شما بورژوازی ارتجاعی است زیرمسئولان برای دیدن حبه ها و دل سدا ری سربازان به آبادان می آید و شما حتی آن تعداد ناگشت شمارتان هم اطلاعات کذایی (دادستان آبادان) را سنا نه کرده اید و

نمونه عدالت اسلامی

چرا همین شگوری اعدام کنید؟

مذا، جمع میکنند مبنی بر این که اگر شما رضایت بدهید که ما شما را شکنجه ندادیم فوراً بقیه در صفحه ۴

خسری در روزنامه انقلاب اسلامی در مورد اعدام فسروری نام شگوری از قول دخترش همراه با ۹ نفر دیگر درج شده بود. طبق اطلاعاتی که تا کنون بدست آورده ایم جریان این گونه بوده است:

شگوری مردی ۷۵ ساله و از مسلمانان سنی طالش بوده و این فرد از مخالفین حکومت و بخصوص حزب جمهوری اسلامی بوده است، که مدتی در زندان بوده و زمانی که هیئت رسیدگی شکنجه تشکیل میشود با سدا ران و مسئولین زندان و کسانی که شکنجه داده اند پیش زنده نیانی که شکنجه شده اند میروند و از آنها

جاسوسی توده های ها

از یک منبع موثق اطلاع رسیده است که توده ایها از ابتدای شروع جنگ تا زمانیکه در شهر آبادان بوده اند (و پس از اطلاعیه کذایی فرار کرده اند) بطور مرتب گزارشهای کتبی از محل، نام، نوع فعالیت، تعداد و... افراد گروه های سیاسی تهیه میکردند و بیهوش سیاسی تحقیقات سیاسی سپاه را در دست گرفته اند. گویا جاسوسی در خون این افراد میجوئید!!

اختلاف و باند بازی در میان گروه

خلخالی

گفته میشود که یکی از همکاران گروه تحت اسلام خلخالی، بنا بر کربمی، که خود فردی است ناباب، اخیراً ما را برای نام نوشته و از گروه خلخالی شکایت هایی مبنی بر گرفتن بسول و اعدام های غیر قانونی نموده است. اخیراً در میان گروه وهم کاران خلخالی اختلاف زیاد شده است و به بهانه های مختلف با ندهای مخالفت برای یکدیگر توطئه می چینند و افراد یکدیگر را ترور می نمایند. گفته میشود که یکی از گروه های مسلح خلخالسی بنام ماهین، تعدادی خانه ویلای اس از بیت المال را تحت کنترل خود گرفته و از آنان برای مقاصد تدا زبهای خود استفاده میکنند.